

طرح مهار دریایی آمریکا توسط چین رونمایی شد

اژدهای دریایی با ۶۰ موشک



سید مهدی طالبی

پژوهشگر حوزه بین الملل

انتشار تصاویری از یک ناو تجاری چینی مسلح به انواع موشک‌ها در تعداد بالا، وضعیت جدیدی در سناریوهای جنگ دریایی ایجاد کرده است. اصل ماجرای مسلح‌سازی کشتی‌های تجاری و تسریع در تبدیل آن‌ها به نمونه نظامی مدت‌هاست مطرح و تا حدودی آزمایش شده؛ اما رونمایی جدید چینی‌ها تحولی در حجم قابل حمل و سرعت در تبدیل به نمونه‌های نظامی محسوب می‌شود. در تصاویر انتشار یافته در شبکه‌های اجتماعی یک کشتی کانتنیری به طول ۹۷ متر دیده می‌شود که به ۶۰ سلول موشکی عمودی همراه با رادار، سیستم‌های تسلیحاتی نزدیک (CIWS) و سامانه‌های مقابله الکترونیکی مجهز شده است. این سامانه‌ها به‌صورت مازولار بوده و به‌سرعت قابل نصب و انطباق با کشتی‌های تجاری هستند. حجم بالای ۶۰ موشک و سرعت بسیار بالا در تغییر کاربری این کشتی، تحولی جدید و قابل توجه به شمار می‌رود.

سلطه بردریاها

آمریکا پیش ازاین با حکمرانی بر دریا آنچه می‌خواست اجرایی می‌کرد. این امر به کمک قدرت وسیع و کم‌نظیر دریایی این کشور بود. بااین حال روند تکثر قدرت، همه حوزه‌ها را تحت تأثیر قرار داده تا جایی که بازیگران خرد و فرودولتی امروزه دارای توانمندی‌های قابل توجهی برای تحت تأثیر قرار دادن کشتیرانی و تأسیسات دریایی هستند. این بازیگران در اتصال به قدرت‌های شرقی دارای ظرفیت‌های «ضد دسترسی» و قدرت نامتقارن دریایی شده‌اند. آن‌ها دارای ناوگان دریایی سنگین و گسترده نیستند؛ اما در حوزه جنگ نامتقارن از قایق‌های تندرو برای تسلط بر تنگه‌های مهم و دفاع ساحلی و از موشک‌های بالستیک، کروز و پهپادهای انتحاری و شناسایی- رزمی برای حمله به اهداف دریایی استفاده می‌کنند؛ ازآن‌رو که این تسلیحات ساده و ارزان می‌توانند با آسیب به ناوها، آن‌ها را از کار بیندازند. دارای قابلیت ضددسترسی تلقی شوند؛ زیرا با استفاده از این تسلیحات، ناوگان دریایی دشمن قادر به نزدیک‌شدن به سواحل در برد عملیاتی سلاح‌های خود نیست. به‌عنوان مثال شعاع عملیاتی ناوهای هواپیمابر آمریکا، معادل برد جنگنده‌های مستقر شده در آن و پرد دیگر ناوها معادل موشک‌های کروز توماهک نصب شده در آن‌هاست. براین اساس برد عملیاتی ناوگان آمریکا برای حمله به سواحل و عمق چین بین ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتر در نظر گرفته می‌شود. آمریکا در چنین زمانه سختی، تصمیم به اعاده قدرت خود بر دریاها گرفته و در پی اختلال در کشتیرانی تجاری بین‌المللی است.

نکات

نکات ذیل درباره وضعیت نبرد در دریاها اهمیت دارند.

۱

آمریکا در حال فشارآوردن به صادرات نفت روسیه، ایران و ونزولاست که سه تأمین‌کننده مستقل نفت چین هستند. وجود فضای تحریمی علیه این سه کشور به سود چین تمام شده است؛ پالایشگاه‌های چینی با تخفیف قابل توجه و پرداخت بلندمدت نفت این کشورها را خریداری می‌کنند. افق‌های چین در این معاملات از تخفیف و تأخیر بیشتر بوده و شامل فروش کالا به جای پرداخت پول می‌شود. آمریکا از تحریم این سه کشور برای باز کردن فضای صادرات نفت و گاز شیل خود بهره می‌برد و به‌این ترتیب این اتفاق به سود واشنگتن و پکن تبدیل شده است. آمریکا این تحریم‌ها را اعمال کرد تا خود سود کند؛ اما چین به‌سرعت ذی‌نفع ماجرا

شد؛ پکن به دلایل ژئوپلیتیکی ملزم است از تعدادی کشورها حمایت کند؛ اما تحریم‌ها باعث سود و همچنین وابستگی اقتصادی این کشورها به چین شده‌اند. وابستگی اقتصادی به گسترش نفوذ چین در این کشورها منتهی شده درحالی‌که اعتماد آن‌ها به آمریکا کمتر و خصومتشان با آن بیشتر شده است. آمریکا اعمال تحریم‌های حقوقی را به همین جهت به زبان خود می‌داند؛ زیرا به نفع چین نیز تمام شده و ادامه فروش انرژی تحریم شدگان به پکن، مانع برهم خوردن ثبات اقتصادی آن‌ها می‌شود. آمریکا برای جبران این نقص در تحریم‌ها، آن‌ها را از حقوقی به فیزیکی گسترش داده است که گلوگاه این نوع از تحریم، توقیف نفتکش‌ها با توسل به نیروی نظامی است. این اقدام باعث مسدودشدن مسیر خریدوفروش نفت، مصادره محموله و کشتی حامل می‌شود که نتیجه آن کسب سودهای کلان است. آشکار است چنین مزیت‌هایی باعث پیش روی آمریکا در این مسیر خواهد شد و پاسخ به آن ضروری است. روسیه در برابر توقیف‌ها دست به افزایش تحرکات از طریق کشتی‌های تجاری مجهز به تجهیزات نظارتی و زیردریایی‌های هسته‌ای زده، به‌عنوان نمونه اخیراً انگلیس خبر داده یک زیردریایی روسیه دست به نقشه‌برداری از خطوط انتقال انرژی این کشور در کف دریا زده است؛ روسیه در برابر حمله به کشتی‌های تجاری خود، در دریا؛ اما حوزه‌ای دیگر یعنی تهدید زیرساخت‌های ثابت و در محیط سرزمینی دشمن تهدید ایجاد کرده است. ونزولا نفتکش‌ها را در جغرافیای استقرار ناوگان دریایی آمریکا در نزدیکی سواحلش اسکورت می‌کند. راهکار ایران توقیف متقابل نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز است؛ اقدامی پرسود و کم‌هزینه برای ایران. ناوگان دریایی آمریکا در سراسر آبراهه‌ها از تنگه مالاگتا تا قاینوس هند و دریای سرخ برای ایران تهدید ایجاد می‌کند؛ اما ایران به‌راحتی در هرمز به کمین نشسته و با بالگرد و قایق‌های تندرو به‌سرعت کشتی‌ها را توقیف می‌کند و به ساحل می‌آورد. ازآنجاکه هرمز محل اصلی انتقال انرژی و یکی از مسیرهای مهم انتقال کالاست، منافع بسیاری از کشورها در آن در دسترس قرار دارند. گرچه روسیه، ایران و ونزولا تهدید و اقدام مستقیم را در دستور کار قرار داده‌اند، چین مسیر قدرت‌نمایی غیرمستقیم را برگزیده است.

۲

آمریکا مانند انگلیس در اوج دورانش، یک قدرت دریایی است. اگر آمریکا در دریا به چالش کشیده شود، هژمونی‌اش آسیب می‌بیند. چین دورنمایی از این وضعیت را نمایش داده تا تمایل آمریکا برای بهوه‌گیری از قوای دریایی‌اش علیه منافع پکن را کاهش دهد. اگر آمریکا بر استفاده از قدرت دریایی خود اصرار داشته باشد، کشورها زیان‌دیده برای دفاع از منافع تجاری خود و حمایت از ثبات داخلی‌شان راهی جز دفاع و مقابله‌به‌مثل نخواهند داشت. اگر هریک از این کشورها باقدرت وسیع آمریکا روبه‌روست و کار دشواری پیش رو دارد، کار برای واشنگتن آسان نخواهد بود؛ زیرا این کشور باید به طور تقریباً هم‌زمانی با تحركات دریایی چندین دولت روبه‌رو می‌شود.

۳

آمریکا و متحدانش از انگلیس تا رژیم صهیونیستی نبرد دریایی با ایران و یمن را تجربه کرده و قدرت آتش محور مقاومت را از خلیج فارس و دریای عمان تا قاینوس هند و دریای سرخ چشیده‌اند. آمریکا که در همکاری با متحدان خود با هریک از قدرت‌های دریایی محور مقاومت جداگانه جنگیده و ناکام مانده، حالا به طور انفرادی خواهان تحریک مجموعه‌ای از دولت‌ها به طور هم‌زمان است.

۴

وضعیت کنونی قرارگرفتن در آستانه جنگ دریایی نیست، بلکه این نبرد آغاز شده است؛ نتیجه آن حمایت و اسکورت نظامی کشتی‌های تجاری، تهدید زیرساخت‌های دریایی دشمن و توقیف نفتکش‌های مرتبط با آن بوده است. روند جنگ‌های گذشته و آنچه به امروز در جنگ جدید رخ‌داده حکایت از ضعف‌های جدی در قدرت دریایی آمریکا دارد.

۷ نکته دربارهٔ تجمعات اخیر در مرکز تهران؛ بازاری‌ها جلوی شلوغ‌بازها ایستادند

با مردم حرف بزنید

ادامه از صفحه یک

۲ اهمیت این اعتراض‌ها، اقتصادی بود. به همین منظور جنس شعارها نیز منحصرأ در موضوعات اقتصادی و معیشتی طرح می‌شد. اگرچه بازوهای صهیونیستی به دنبال آن بودند که اصل اعتراض را واکنشی سیاسی نشان دهند و معبود شعارهای سیاسی و حاشیه‌ای را برجسته کنند، اما مشاهده واقعی آنچه در روز دوشنبه در برخی بازارهای تهران گذشت، به‌وضوح نشان می‌دهد که آنچه رخ داده، اعتراضی بازاری نسبت به وضعیت ارز است و آنچه بازاریان می‌خواهند، کنترل وضعیت ارز و به‌ثبات‌رساندن این وضعیت ناپایدار است.

۳ در این میان انتظار می‌رفت که آشوب‌سازان که ردپای بهربرداری‌هایشان در هر اعتراضی مشاهده می‌شود، با هدف سوءاستفاده از این اعتراضات بخوانند فضا را رادیکال کنند، اما واکنش بازاریان و کسبه در روز گذشته نشان داد که مردم در تله آشوب سازان نیفتادند. در یک مورد فردی که به دنبال آن بود که اعتراض بازاریان را به سمت آشوب بیرد و آن را یلدری کند، با این پاسخ بازاریان مواجه شد: «نه در خیابان می‌رویم، نه خراب می‌کنیم.» برخی از نمایندگان بازاریان نیز در گفت‌وگو با رسانه‌ها به این موضوع اشاره کردند که «نوسانات غیرعادی ارز و طلا، منجر شده تا تولیدکنندگان و کسبه، نسبت به

ترامپ در یک سال اخیر میزبان جلسات بی‌ثمر زیادی بوده است

زلنسکی و نتانیا‌هو پاشنه در کاخ سفید را کردند



متحدان آمریکا در دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، سفرهای پر تکراری به ایالات متحده انجام می‌دهند؛ اما این ترده‌ها با خروجی ملموسی همراه نبوده است. نتانیا‌هو با ۵ سفر پر تردترین فرد به کاخ سفید است و علی‌رغم دریافت بیشترین همراهی از جانب ترامپ نسبت به هر مقام خارجی دیگری نتوانسته اهداف منطقه‌ای خود را اظطور که ادعا می‌کرد، محقق کند. زلنسکی نیز علی‌رغم تحقیرهای مکر تحت فشار نظامی به پای جنگ متحمل شده‌ای‌رغم سومین بار راهی آمریکا شد تا حمایت بیشتری جلب کند؛ اما نتایج این دیدارها چیزی جز بالا بردن سطح تحقیر نبوده است. مقامات اروپایی نیز که برخی از آنان حداقل دو بار به آمریکا سفر کرده‌اند و علاوه بر آن به بهانه‌های مختلفی همچون اجلاس سران ناتو در هلند و اجلاس شرم‌الشیخ با ترامپ روبه‌رو شده‌اند چیزی جز تحقیر عایدشان نشده است. اوج این رفتار در اجلاس شرم‌الشیخ دیده شد، جایی که ترامپ هر یک از سران حاضر را به نحوی مورد تمسخر قرار داد. نخست‌وزیر انگلستان پس از اینکه توسط ترامپ به پای میکروفون فراخوانده شد بدون اینکه صحبت کند با این دستور مواجه شد که به‌جای خودش بازگردد. نخست‌وزیر ایتالیا را «زن زیبا» خطاب قرار داد و برای اینکه حرص سرران اروپایی را درآورد از ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان که رابطه خوبی با اتحادیه اروپا ندارد، تمجید کرد: «ویکتور را دوست دارم. می‌دانم خیلی‌ها با من موافق نیستند؛ اما من تنها کسی هستم که اهمیت دارد.»

تردد‌های مکرر به آمریکا که برای متحدان آمریکا به تنها درگاه امید تبدیل شده خروجی خاصی به همراه نداشته است. کاخ سفید دیگر اهمیتی برای تحقق منافع متحدانش قائل نیست و در مواردی هم که وارد عمل شده توان تحقق دستاورد خاصی نداشته است.

کسی به استقبال رئیس جمهور غیرکرت شلوار می اوکراین نرفت

از اسفند ۱۴۰۳ تا دی ۱۴۰۴ که زلنسکی سومین سفرش به آمریکا با هدف دیدار با ترامپ را انجام داده، نوع مواجهه با او هیچ تغییری نکرده است. در دیدار نخست زلنسکی به سوژه تمسخر حلقه نزدیک به ترامپ در مقابل دوربین‌های خبرنگاران تبدیل شد و حتی بابت کتوشلوار نپوشیدنش هم تنبیه شد. بعد از یک‌سال او برای بار سوم راهی آمریکا شد تا بدون هیچ گونه استقبال رسمی از جانب کاخ سفید در پای هواپیم‌ا با سفیر اوکراین در آمریکا خوش‌ویش کرده و به دیدار با ترامپ برود. دیداری که در آن ترامپ مدعی شد: «پوتین قلباً دوست دارد موفقیت اوکراین را ببیند» و زلنسکی نیز واکنشی بیشتر از پوزخند زن نتوانست نشان دهد. این رویکرد نشان می‌دهد علی‌رغم تمایل اروپا و زلنسکی، روسیه نتوانسته رویکرد خود را بر حلقه تصمیم‌گیران آمریکایی تحمیل کرده و آن‌ها را ناگزیر کند تا مناطق فعلی تحت تصرف روسیه را به‌عنوان بخشی از قلمرو کرملین بپذیرند. زلنسکی نیز پس از کاهش کمک‌های مالی و نظامی آمریکا چاره‌ای جز تن دادن به خواسته روسیه ندارد. رئیس‌جمهور اوکراین که پیش از این مدعی بود از سرزمین‌های سابق تحت مالکیت اوکراین صرف‌نظر نمی‌کند اکنون بر سر موقعیت خطوط مرزی جدید حاضر به مذاکره شده است. با توجه به تداوم موضع ترامپ مبنی بر اینکه اوکراین باید شروط مورد توافق آمریکا و روسیه را بپذیرد و همچنین عقب‌نشینی زلنسکی از موضع اولیه به نظر نمی‌رسد مطالبات جدید کیف نیز به نتیجه برسد. احتمالاً در نهایت زلنسکی چاره‌ای جز پوزخند زدن به شرایطی که بر اوکراین تحمیل می‌شود نخواهد داشت.

بی‌بی جایب جز کاخ سفید برای رفتن ندارد

دیگر چهره پرتردد به آمریکا نتانیا‌هو است. او که به دلیل صدور حکم بازداشتش در دیوان کیفری بین‌المللی برای شرکت در نشست سازمان ملل ناچار شد مسیر پروازش البته در میان اعتراضات و تلاش‌های عوامل آشوب‌ساز وابسته به صهیونیست‌ها، بازاریان و اهالی رسانه می‌بایست توجه داشته باشند که هم‌زمانی این ناآرامی‌ها با برگزاری دیدار نتانیا‌هو و ترامپ که گفت‌وگو در مورد مسائل خاورمیانه بخش محوری آن خواهد بود، قابل تأمل است و این گزاره چندان دور از ذهن نیست که در ادامه تلاش‌های چندماهه آنان به دنبال ناآرام کردن ایران با بهانه‌های اقتصادی باشند.

۷ بارها و در هنگامه پیچیده چالش‌های اقتصادی این موضوع بیان شد که دولت و تیم اقتصادی دولت در مواجهه با این چالش‌ها باید دو اقدام

را طولانی کرده و قاره اروپا را دور بزنند، شب گذشته یک‌بار دیگر در مقابل ترامپ نشست. علی‌رغم این سفرهای متعدد که با هدف کشاندن پای آمریکا به بحران در غرب آسیا انجام می‌شود تاکنون مهم‌ترین پرونده‌های نظامی‌ای که نتانیا‌هو امید دارد با کمک ترامپ به نفعش تمام شوند بی‌نتیجه و مفتوح مانده‌اند. ایران بعد از یک جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی را وادار به عقب‌نشینی کرده، حزب‌الله همچنان بر تن ندادن به خلع سلاح تأکید می‌کند و یمن نیز همچنان سایه تهدید خود بر سر اسرائیل را نگه داشته و در نمونه جدید هشدار داده است هرگونه حضور اسرائیل در سومالی لند «هدف نظامی» تلقی خواهد شد. این البته تمام ماجرا نیست. نتانیا‌هو علی‌رغم وعده‌ای که در ابتدای تهاجم به غزه مبنی بر نابودی حماس داده بود ناچار ششد در مرحله اول توافق برای تبادل اسرا با همین گروه وارد مذاکره شده و ادعای خارج کردن حکومت غزه از دست حماس و سپردن آن به یک گروه بین‌المللی نیز همچنان معلق مانده است. این شرایط چاره‌ای جز دست به دامن شدن مجرده به آمریکا برای نتانیا‌هو باقی نگذاشته است. ترددهای پر شمار نتانیا‌هو به آمریکا که شب گذشته به پنجمین دیدار او با ترامپ منتهی شد، نشان می‌دهد علی‌رغم هماهنگی مدام تل آویو با کاخ سفید این هماهنگی نتوانسته خروجی خاصی در پی بیآورد به همین دلیل نیز این دیدارها روی دور تکرار کمی و کیفی افتاده است.

خط ۱۱ در نیویورک

رئیس‌جمهور فرانسه که اسفند ۱۴۰۳ یعنی در سومین ماه ریاست‌جمهوری ترامپ با درخواست رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر بازگشت کمک‌های کاخ سفید به اوکراین مواجه شده بود، در دومین سفرش که برای شرکت در اجلاس سزازمان ملل به نیویورک رفته بود، برخورد سردتری دریافت کرد. او پس از اینکه به دلیل عبور کاروان ترامپ ناچار به معطل شدن در خیابان‌های نیویورک شده بود، پیاده به هتل محل اقامتش رفت. در دیدار دوجانبه فوریه ۲۰۲۵ وقتی مکرون به ترامپ گفت باید خسارات تحمیل شده به اوکراین از محل ۲۳۰ میلیارد دلار داری‌های بلوکه شده روسیه در اروپا تأمین شود، ترامپ با کنایه به او پاسخ داد: «اگر شما این حرف را باور دارید، برای من مشکلی نیست؛ اما آن‌ها پولشان را پس می‌گیرند.» او همچنین در مورد کمک‌های مالی به اوکراین نیز که در دوره بایدن پرداخت شده و پس گرفته شده بود نیز گفت: «ما نمی‌گرفتیم؛ اما حالا پس می‌گیریم و این عادلانه است.»

آفتاب سوخته آلمانی

خردادماه اسمال زمانی که صدراعظم آلمان در نخستین سفرش به آمریکا یک گواهی تولد آلمانی از ترامپ را به او هدیه داد تا مدعی ریشه‌های آلمانی او شود فکشر را هم نمی‌کرد که در سفر دوشم به آمریکا زمانی که در حاشیه نشست سازمان ملل به همراه سایر رهبران اروپا با ترامپ دیدار می‌کند با لحنی زنده پاسخ بگیرد. ترامپ با برنزه خطاب کردن مرتس یک داستان تاریخی را به او یادآوری کردند. مشهور است هنگامی که بر اساس مناسبات خانوادگی میان خاندان‌های شاهی اروپا، شاهزاده‌ای آلمانی به پادشاهی انگلستان رسید، مردم و مقامات این کشور چهره معشوقه‌های پادشاه آلمانی تبار خود را تقریباً مشابه با الفاظ ترامپ مسخره می‌کردند. طعنه ترامپ به صدراعظم آلمان برای فاصله‌گذاری با ریشه آلمانی و نشان دادن ریشه‌های ساسونی، بریتانیایی و آمریکایی‌اش بوده است. ترامپ و مقامات دولتش بارها به دولت‌های اروپایی تأکید کرده‌اند اگر آمریکا نبود آن‌ها باید امروز به زبان آلمانی سخن می‌گفتند. ترامپ که اعلام کرده است دیگر نمی‌خواهد هز بنه‌های تأمین امنیت متحدانش را بدهد، کشورهای عضو ناتو را موظف کرده است تا سهم خود از تأمین بودجه این اتحاد نظامی را افزایش دهند. به همین دلیل مرتس در سفر نخست خود به آمریکا خبر افزایش هزینه‌های دفاعی خود از ۲ درصد تولید ناخالص داخلی به ۵ درصد را داد.

را انجام دهند؛ نخست آنکه گفت‌وگو و طرح صادقانه مسائل و مشکلات پیشرو با مردم را مهم بدانند و به جای توجه با پذیرفتن مشکلات این پیام را به مردم بدهند که به دنبال کنترل مشکلات اقتصادی کشور هستند و این مسئله برای دولت رهاشده و کم‌اهمیت نیست.

دوم آنکه ناکارآمدی‌هایی در دولت در مواجهه با چالش‌های اقتصادی کشور وجود دارد که رفع و رجوع آن جز با اعمال تغییرات در کابینه و جابه‌جایی‌ها شدنی نیست. در این دو مورد دولتی‌ها و مشخصأ چهره‌های شاخص دولت می‌بایست به این موضوع توجه کنند که به جای طرح موضوعاتی که می‌تواند مردم را عصبانی کند، ناامیدی ایجاد کند و افق‌های پیش‌رو را ببندد، چشم‌اندازی روشن از برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت در مواجهه با بحران‌های اقتصادی ارائه کنند و در گام بعد نیز روربایستی را کنار بگذارند و دست به جراحی کابینه و تغییر گیر بنه‌های فاقد کارآمدی در دولت بزنند. در این موضوع انتظار می‌رود، مجلس هم از شأن نظارتی‌اش استفاده کند و از استیضاح وزرایی که با استدلال و علل مقنن، آنان را برای مدیریت شرایط فعلی ناکارآمد می‌داند، تعلل نکند. روشن است که وضعیت پیچیده اقتصادی که کشور با آن مواجه است، برخوردی جدی، عالمانه، به دور از هیجان‌زدگی و سریع را می‌طلبد که در عین جلوگیری از سخت‌تر شدن معیشت مردم، جلوی سوءاستفاده دشمنان ایران را برای آشوب‌سازی به بهانه اقتصادی را بگیرد.